

ذهنیت جنگ زده

نسیم ابراهیمی



شود که از درد جنگ و زخم جنگ حرف بزند که چقدر ویرانگر است. ما با همان حس، فکر، خواست و ادیبانی که وارد جنگ شده بودیم و تنها همین گزینۀ نجات خود را در جنگ می بینیم. چنین ذهنیتی در گفتمان های رسمی، گفتمان های عادی و حتا در متون آموزشی ما تا هنوز با همان شدت باقی است. وقتی این روزها، روزهای جنگ را به یاد می آوریم، از جنگ حرف می زنیم، این پدیده در نزد ما مذموم نه، بلکه «مقدس» و راه نجات است و حالا نیز برای نجات خود تنها بر همین پدیده تاکید داریم. متون آموزشی نیز بیشتر از آن که به ذهن جنگ و پیامدهای مثبت صلح تاکید داشته باشد، بیشتر خاطرات جنگ را تبارز می دهد که با این روش، به چه نتیجه هایی می رسیم. به گونه مثال، وقتی گذشتۀ ی تاریخی کشور به معرفی گرفته می شود و یا تاریخ دینی برای کودکان و دانش آموزان بازگو می شود، روزشمار جنگ در آن نهفته است که چگونه از ایسن طریق بر جبهه ی مقابل تسلط یافته اند و به خواسته های خود رسیده است. بدیهی است که از آوان کودکی ذهنیت جنگ برای ما در درگیری هایی که اکنون جریان دارد، سهل تر می سازیم و هم چنان کودکان ما لقمه ی آماده شده ی کسانی می شوند، که جنگ را تجارت می کنند. واقعیت اجتماعی این است که با تمجید جنگ، صلح می خواهیم. ما تا هنوز صلح را زیرساخت و بنیان های ذهنی آماده ی صلح، تا کنون نخواستیم، اما از همین رو است که صلح می خواهیم، رسم، شکننده و کوتاه مدت است. در دوران پساطالبانی، گذشته از علت های دیگر، یکی از علت ها این است که ما به جنگ باور داریم و به صلح شکست. همان گونه که برای ما خانه، محله، مکتب و مسجد جنگ زده است، ذهن ما از آن جنگ زده تر است. تا ذهن با جنگ خود داشته باشد، بعد است که صلح برسیم.

جنگ زخمی ها را تداوی کرده، چقدر از جنگ، درد دیده است. درد مادر و پدری که فرزندشان می خواست جهان را نجات دهد اما خودش از بین رفته است، در این کتاب به خوبی روایت شده است. این گونه مردم روسیه و قلمرو شوروی آن روز، درد مرگ، زخم و ویرانی را با تن و جان لمس کردند و از آن خسته شدند و دیگر نخواستند که برای نجات جهان، جان کسی را بگیرند. پدران و مادران ما که ۹ سال و ۱ ماه و ۱۹ روز، بدون وقفه با شکم گرسنه و لبان تشنه، یک سره جنگ کردند، زن، فرزند، شوهر، خانه و تمامی هستی خود را از دست دادند و تقریباً ۲۸ سال دیگر می شود که هم چنان درگیر جنگ هستند، اما درد جنگ را تا هنوز حس نکرده اند و یا آن که «کروخت» شده اند. واقعیت این است که در میان ما، کمتر روایت ضد جنگی وجود دارد و کمتر کسی پیدا می

افزوده تر می شود. ذهنیت ما با جنگ، خورفته است و به نحوی در هر فرصت ممکن، به تمجید آن می پردازیم، تا اینکه از هزینه هایی که در ازای جنگ متقبل می شویم، حرفی به زبان آوریم. ذهنیت و گفتمان ضد جنگی در میان ما تا هنوز همان گونه که برای ما تعریف شده، پدیده مقدسی است که ما را به خواست های مان کشتند و آبادی های وطن خود را ویران کردند؛ تا این که ۲۶ دلو می رسد و یک طرف جنگ وادار می شود تا کوتاه بیاید و میدان جنگ را رها کند. ولی برای ما همه ویرانی باقی ماند.

روشن باشد و طبق قواعد مشخص بین المللی برگزار گردد. سرنوشت صلح در افغانستان علاوه بر اینکه به تلاش های استراتژیک و دایمی حکومت افغانستان بستگی دارد، به هماهنگی قدرت های بزرگ دنیا و کشور های منطقه نیز بستگی دارد. حکومت افغانستان در صورتیکه بتواند قدرت های بزرگ دنیا را بر سر مسئله صلح در افغانستان هماهنگ بسازد، بدون تردید راه تامین صلح در کشور هموار خواهد شد و چالش های موجود در این رابطه، به آسانی حل خواهد گردید.

امروز آزادی تفکر چه معنایی دارد؟

الزامات اقتصادی و اجتماعی «جهانی سازی» می تواند خلاقیت های علمی و فرهنگی را کور کند

ساتیاگو زابالا / ترجمه: علی حاتمیان



تودور آدورنو نگران بود که موسیقی ناچار باید کوتاه تر شود تا با محدودیت های زمانی در تولید صنعتی صفحه های گرامافون تطابق پیدا کند. به باور او، این موضوع خلاقیت آهنگسازان را محدود و مشروط می کرد. با این حساب باید از شنیدن این خبر هراسان شویم که امروز از فیلسوفان خواسته می شود که کتاب هایشان را در قالب مقالات کوتاه تر عرضه کنند تا بسا الزامات صنعت انتشار ژورنال های رتبه بندی شده تطابق داشته باشد. آهنگسازان و فیلمسازان نیز در توزیع مستقل آثاری با طول بیش از دو ساعت با دشواری مواجه اند.

نشان داده شده است متفکر کسی است که می تواند به نحو معناداری ایده هایش را برای گروه های متنوع مردم آشکار کند. این اشکار سازی از طریق فلسفه یا هنر صورت می پذیرد، صرفاً، مسئله های ثانویه است. آنچه اهمیت دارد تأثیرات ناشی از فعالیت اوست. چنان که هانس گئورگ گادامر اشاره کرده است، اگر «ثری اساساً تا ابد توان ارتباط گیری مستقیم ابا مردم را داشته باشد»، این امر به سبب «گوینده یا خاستگاه آن اثر» نیست، بلکه به خاطر «تأثیرات و نتایجی» است که علی الدوام دارد. پرنس و اسکولا ایده های خود را از طریق موسیقی و فیلم بیان کرده اند، اما آن ها هم ناچار بودند از آزادی تفکر و استقلال اندیشه و خلاقیت خود در برابر «چارچوب های زمانه» محافظت کنند.

در اوایل سال ۲۰۱۶ به ما یادآور می شود که آزادی تفکر تا چه حد اهمیت دارد. آثار این افراد جملگی در برابر تفاسیر ارتدکس از خلاقیت هنری، کلیشه های اجتماعی و تبعیض فاشیستی مقاومت می کردند. به طور مثال، اگو در یکی از مهم ترین کتاب هایش با عنوان اثر گشوده بر این قابلیت هنرمند تأکید می کند که باب تفسیر برخی از مؤلفه های اثرش را، برای عموم مردم، گشوده بگذارد. پرنس، چنان که استیون ترشر، نویسنده آمریکایی، اخیراً در گاردین نوشت، «در عین اینکه ایده جنسیت را به تمامی ساخت شکستی کرد، فهم ما از معنای مرد بودن را بسط داد». اسکولا نیز در آثاری چون «زندگی ساده» (۱۹۶۲) یا «یک روز بخصوصی» (۱۹۷۷) زندگی مردمان «دل خور» و «نایخته از لحاظ اجتماعی» را تصویر کرده است.

جستجوی حقیقت در حوزه علمی او شده است. او با این انتقادش، ضمن اشاره به آنچه رشته علمی او را چارچوب می بخشد، از حق آزادی تفکرش بهره گرفت. بر اساس این الگو، امروزه صرفاً کسانی که سردمدار «عدم اضطرار» هستند، به لحاظ تفکر، آزاد محسوب می شوند.

برای پاسخ به این پرسش مهم، نخست باید این نکته را برجسته ساخت که، در سخن گفتن از آزادی تفکر، تفاوت چندانی میان فلاسفه، الهی دانان، دانشمندان و هنرمندان وجود ندارد. آموزش ها، سنت ها و منازعات هرچه باشنند آن های آزادند که بدانند چارچوب رشته هایشان چگونه شکل گرفته است. به طور مثال، دانشمندی فرانسوی به نام لوران سگالات در کتاب خود تحت عنوان نفس های آخر علم از این مسئله انتقاد می کند که امروزه مدیریت منابع مالی پژوهش ها بسیار مهم تر از

جستجوی حقیقت در حوزه علمی او شده است. او با این انتقادش، ضمن اشاره به آنچه رشته علمی او را چارچوب می بخشد، از حق آزادی تفکرش بهره گرفت. بر اساس این الگو، امروزه صرفاً کسانی که سردمدار «عدم اضطرار» هستند، به لحاظ تفکر، آزاد محسوب می شوند.

برای پاسخ به این پرسش مهم، نخست باید این نکته را برجسته ساخت که، در سخن گفتن از آزادی تفکر، تفاوت چندانی میان فلاسفه، الهی دانان، دانشمندان و هنرمندان وجود ندارد. آموزش ها، سنت ها و منازعات هرچه باشنند آن های آزادند که بدانند چارچوب رشته هایشان چگونه شکل گرفته است. به طور مثال، دانشمندی فرانسوی به نام لوران سگالات در کتاب خود تحت عنوان نفس های آخر علم از این مسئله انتقاد می کند که امروزه مدیریت منابع مالی پژوهش ها بسیار مهم تر از

جستجوی حقیقت در حوزه علمی او شده است. او با این انتقادش، ضمن اشاره به آنچه رشته علمی او را چارچوب می بخشد، از حق آزادی تفکرش بهره گرفت. بر اساس این الگو، امروزه صرفاً کسانی که سردمدار «عدم اضطرار» هستند، به لحاظ تفکر، آزاد محسوب می شوند.

جستجوی حقیقت در حوزه علمی او شده است. او با این انتقادش، ضمن اشاره به آنچه رشته علمی او را چارچوب می بخشد، از حق آزادی تفکرش بهره گرفت. بر اساس این الگو، امروزه صرفاً کسانی که سردمدار «عدم اضطرار» هستند، به لحاظ تفکر، آزاد محسوب می شوند.

- بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسول: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حفیظ الله زکی
- کاریکاتورست: خالق علی زاده
- دبیر این: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
- مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
- آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

روزنامه
افغانستان
The Daily Afghanistan Ma

روزنامه
Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Magazine

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com